فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال دوازدهم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۴۰
صفحات ۱۱۲ ـ ۹۳

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 12, Spring 2015, No 40

بررسی زمینه‌ها، علل و امکان وقوع انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران[1]

مرتضی اشرافی[*]

چکیده

با وجود برخی جریانات داخلی حامی انقلاب مخملی در ایـران و نیـز وجـود بسـتر طبیعی انتخابات و برخی آسیب‌های درونی فرهنگی و اجتماعی پدیدار شـده طـی سال‌های قبل و نیز تلاش‌های گسترده آمریکا و غرب برای براندازی نرم با اسـتفاده از انقلاب مخملی در ایران، در انتخابـات خـرداد ۱۳۸۸، زمینـه‌هـایی بـرای تکـرار حوادث گرجستان، اوکراین، قرقیزستان در ایران نیز وجـود داشـت، امـا بـه دلایـل مهم‌تر و اساسی‌تر که ریشه در تفاوت‌های جمهوری اسلامی ایران با آن جمهوری‌ها دارد، این انقلاب مخملی در ایران شکست خـورد؛ چراکـه بـین امکـان ظهـور یـک پدیده با امکان موفقیتش، فاصله و مرز مشخص و ظریفی وجود دارد و این دو مورد را باید از یکدیگر جدا کرد. بنابراین اگرچه برای ظهور یک پدیده، زمینه‌ها و عواملی نیاز است، اما این موارد تنها شرط لازم محسوب می‌شوند که برای تحقـق خـارجی موفق، به زمینه‌ها و عوامل دیگری نیازمند است که در حکم شرط کـافی بـرای آن پدیده محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی

انتقال قدرت، انقلاب، انقلاب مخملی، جمهوری اسلامی ایران، فتنه ۱۳۸۸.

مقدمه

انقلاب مخملی نوعی دگرگونی آرام و بدون خونریزی است که در شـرایط خـاص اجتمـاعی سیاسـی، (ماننـد کاهش میزان اعتماد جامعه) به وقوع می‌پیوندد، این مفهوم بیشتر در سال‌های اخیـر (یعنـی پـس از تحـولات

---

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده می‌باشد.

*. دکتری علوم سیاسی. mortezaashrafi110@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۴

گرجستان ۲۰۰۳، اوکراین ۲۰۰۴ و قرقیزستان ۲۰۰۵) اذهان را به سمت و سوی خود سوق داده است. شرایط وقوع این انقلاب‌ها در شاخصه‌هایی شبیه به یکدیگر بوده است. با توجه به ساختار سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و تحولات اخیر سعی در بررسی احتمال وقوع این رخداد در ایران را داریم.

قبل از هر چیزی برای روشن شدن بحث باید به این موضوع اشاره کرد که انقلاب مخملی در کشورهایی صورت می‌گیرد که نظام سیاسی آن یک دست بوده و انتخابات آزاد معنا نداشته باشند. در این کشورها مطبوعات آزاد نبوده و آزادی‌های سیاسی و مدنی محدود می‌باشد. از طرف دیگر جریان حاکم، تمام ارکان حکومت و بنگاه‌های اقتصادی را در اختیار دارد و فقر و بیکاری در جامعه حاکم می‌باشد. در جوامعی که هویت ملی در آن کم‌رنگ شود و اختلافات طبقاتی در آن زیاد گردد، احتمال بروز انقلاب مخملی در آنها زیاد است. عدم تأمین مطالبات مردم توسط حاکمیت و افزایش فاصله حاکمان با مردم زمینه را برای بروز انقلاب‌های رنگی فراهم می‌نماید.

در ایران امروز، ما با انفجار انتظارات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی، نوسازی و فرایند جهانی‌شدن روبه‌رو هستیم. با این وصف، دچار یک از جاکندگی در نظم اجتماعی پیشین و عدم استقرار در نظم نوین هستیم. در خلاء یا سستی نظام هنجاری، مشکلات فراوانی پیش روی جامعه ماست. از یک طرف، انواع انحرافات اجتماعی و جرائم عادی و سازمان‌یافته، مانند اعتیاد، سرقت، قتل و خشونت، بداخلاقی‌های اجتماعی و نیز پیامد ناکارآمدی در مدیریت اقتصادی، اجتماعی مانند بیکاری، تورم، فساد و کلاهبرداری، فقر و از طرف دیگر گسترش شکاف‌های اجتماعی (سنی، جنسی، قومی، طبقاتی، فرهنگی)، بی‌اعتمادی، فقر، سرمایه اجتماعی و تعارض، ارزش‌های اجتماعی جامعه ما را درگیر مشکلات فراوان و پیچیده کرده است. (معیدفر، www. isa. ir)

تهدیدات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

نابرابری اجتماعی مبتنی بر نظام قشربندی اجتماعی است که به نوبه خود با پدیده‌های طبقه اجتماعی، تفکیک اجتماعی، سلسله مراتب و تقسیم کار مرتبط است. نابرابری‌های اجتماعی موجود در نظام قشربندی، قبل از هر چیز در معیارهای زندگی منعکس می‌شوند که به نوبه خود با مفهوم فرصت‌های زندگی ارتباط دارد، تثبیت نابرابری‌ها در جوامع انسانی، بیش از هر چیز به نظام ارزش‌های اجتماعی بستگی دارد که توزیع نابرابر قدرت در جامعه را میسر می‌سازد. (فاصل، ۱۳۸۷: ۶۰)

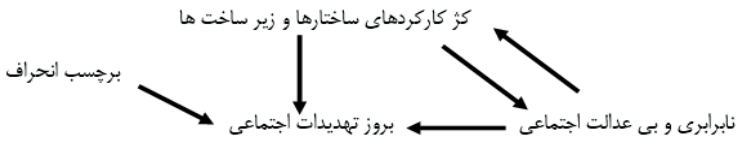

فرسایش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان یک اهرم حساس در دنیای مدرن است که هر روز ارتباطاتش سطحی‌تر و کم‌عمق‌تر می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۳۴) بشر امروز بیش از هر چیز به کنش‌های متقابل پر مایه در شبکه‌های اجتماعی و ارتباطاتی وسیع نیاز دارد تا بتواند از ساختارشکنی و هنجارشکنی آمیخته با زندگی اجتماعی خود جلوگیری کند یا حداقل روندی معکوس برای آنها تعریف کند. (مارتین ریزر، ۱۳۸۷: ۲۱۰ و ۲۲۳)

به طور کلی سرمایه اجتماعی به شاخص‌هایی از قبیل میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی، اندیشه و تفکر عقلانی، خیرخواهی، احساس و سطح عمومی اعتماد در جامعه، احساس تعهد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، صداقت، هم‌دردی، وفاداری، هویت سازمانی، قدرت نفوذ و اقتدار فردی، میزان کنش‌ها و روابط متقابل بین اعضای یک گروه، هنجارهای اجتماعی یکسان، اعتبار، همکاری و همیاری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، میزان و احساس امنیت در یک گروه یا جامعه، همبستگی، میزان و گستردگی تعاملات دوستانه، تعاملات خانوادگی و اجتماعی، میزان فساد در سطح حاکمیت و جامعه، میزان دینداری، وجود ایدئولوژی مبتنی بر مصلحت عمومی، احساس و میزان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی، سطوح ارزش‌های مشترک، نوع‌دوستی، قانون‌مداری، مردم‌گرایی، تحمل‌پذیری نسبت به تکثر، احترام متقابل، نظم پذیری و ثبات و عدم از هم گسیختگی اجتماعی و ... دلالت دارد. (فاصل، ۱۳۸۷: ۹۶ ـ ۹۱)

شاخص‌های سرمایه اجتماعی

در ابتدا برای مشخص‌تر شدن این شاخص‌ها، آنها را به تفکیک ابعاد ساختاری، شناختی و هنجاری در جدول زیر مطرح می‌کنیم:

بعد ساختاری[۱]	بعد شناختی[۲]	بعد هنجاری[۳]
روابط افقی	باورها	پیوند اجتماعی
رویه‌ها	نگرش‌ها	اعتماد اجتماعی
شبکه‌ها و روابط بین فردی	ارزش‌ها	ارتباط متقابل بین اعضا
نقش‌ها و قواعد	هنجارها	کیفیت روابط و تعامل اعضا

در ادامه شاخص‌های سرمایه اجتماعی را به تفکیک تعاریف برخی اندیشمندان سرمایه اجتماعی بیان می‌کنیم:

---

۱. بعد ساختاری: شامل الگوی پیوندهای میان اعضاء گروه و ترکیب سازماندهی این اعضا است.
۲. بعد هنجاری: به کیفیت تعاملات و ارتباط اعضا درون یک گروه اشاره دارد.
۳. بعد شناختی: کمتر قابل اندازه‌گیری بوده و می‌توان آن را ارزش‌های مشترک در میان اعضای یک گروه دانست.

صاحب نظران	سطح تحصیل	شاخص‌های سرمایه اجتماعی	هدف
حین جاکوب (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۴۶)	شبکه‌های اجتماعی فشرده	حفظ نظافت، عدم جرم و جنایت	امنیت اجتماعی
کلن لوری (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۲۰)	روابط خانوادگی و اجتماعی	—	رشد اجتماعی و اقتصادی
پیربوردیو (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۲؛ فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱)	مشارکت اعضا	روابط متقابل و اعتماد	امنیت اقتصادی و اعتماد
جیمز کلمن (کلمن، ۱۳۸۶: ۲۹۰ ـ ۲۸۵)	کنش افراد در درون ساخت	همسویی هنجارهای اجتماعی،	کنترل و نظارت بر پیوندهای اجتماعی
رابرت پوتنام (پانتام، کلمن و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۰ ـ ۴۳)	ارتباط متقابل اعضا در شبکه	اعتماد، هنجارها، آگاهی، مشارکت، نهادهای مدنی	توسعه اقتصادی و سیاسی
فرانسیس فوکویاما (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۰)	هنجارها و ارزش‌های غیررسمی	همکاری، تعاون، صداقت، تعهد	امنیت اجتماعی

سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

بررسی تحول و سنجش میزان سرمایه اجتماعی به دلیل کیفی بودن و انتزاعی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مربوط به آن، با مشکلات جدی مواجه است. واضح است که یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان سرمایه اجتماعی موجود در جامعه‌ای بزرگ و پیچیده همچون ایران، غیر ممکن نباشد، ولی کاری بس دشوار و سخت است؛ به خصوص اگر اطلاعات کلی دوره‌های متوالی موجود نباشد و یا منابع موجود قابل اعتماد نباشند، مشکل دو چندان خواهد شد.

۱. اعتماد

باتوجه به اینکه انقلاب‌های مخملی ارتباط مستقیمی با عنصر اعتماد از عناصر سرمایه اجتماعی دارد، در اینجا فقط به اعتماد خواهیم پرداخت. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی، احساس و میزان اعتماد افراد جامعه در سطوح مختلف است. (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱) آمارهای مختلف در سال‌های متفاوت نشان می‌دهد که میزان اعتماد در سطح جامعه کاهش پیدا کرده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۵۳، حدود ۵۴ درصد از افراد ابراز کرده‌اند که به مردم کم اعتماد دارند و حدود ۴۶ درصد ابراز کرده‌اند که زیاد اعتماد دارند. این در حالی است که در سال ۱۳۸۲، حدود ۲۸/۸ درصد ابراز کرده‌اند که تا حد کمی مردم قابل اعتماد هستند و ۷۲/۲ درصد اعلام نموده‌اند که مردم قابل اعتماد هستند. (فاصل، ۱۳۸۷: ۹۷)

این آمارها نشان می‌دهد میزان اعتماد عمومی در سطح جامعه نه تنها در سال ۱۳۵۳ نیز کم بوده است

بلکه در سال ۱۳۸۲ این رقم کاهش پیدا کرده است. اگر چه براساس آمارهای موجود نمی‌توان رقمی را برای کاهش اعتماد میان مردم تخمین زد، اما از میان جامعه آماری یکصد نفری که توسط نویسنده پایان‌نامه در میان تحصیل کردگان دانشگاه مفید در شهر قم با ارائه یک سؤال که میزان اعتماد شما به مردم کم، تا حدودی و یا زیاد است (۱۳۸۹) نتایج به دست آمده حکایت از این امر دارد که ۱۳ درصد اعلام نموده‌اند که مردم قابل اعتماد هستند، ۶۱ درصد اعلام کرده‌اند تا حدودی مردم قابل اعتماد هستند و ۲۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند تا حد کمی مردم قابل اعتماد هستند. در این صورت اگر مجموع ۱۳ و ۶۱ را به عنوان قابل اعتماد بودن در نظر بگیریم، ۷۴ درصد از دانشجویان، مردم را قابل اعتماد می‌دانند که با توجه به جو دانشگاهی و علمی موجود میان افراد مورد نظرسنجی، این امر قابل قبول بوده و با واقعیت منطبق می‌باشد.

نگرش	سال ۱۳۵۳	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۸۹
کم	۵۴	۲۸/۸	۲۶
زیاد	۴۶	۷۱/۲	۷۴

۲. پیامدهای کاهش سرمایه اجتماعی در ایران

کاهش سرمایه اجتماعی، پیامدهای متعدد و وسیعی دارد. یوهان گالتونگ معتقد است در راستای کاهش کنش‌های متقابل افراد و از هم گسیختگی ساختارهای کنشی که اساس تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد، باید انتظار چند پدیده اجتماعی را داشته باشیم که متأسفانه در ایران به طور فزاینده‌ای شاهد چنین پیامدهایی هستیم:

۲ ـ ۱. جهت‌گیری‌های خودخواهانه

ابتدا انتظار می‌رود که افراد یک جامعه به سرعت، به سمت جهت‌گیری‌های خودخواهانه و منافع شخصی به جای حقوق و تعهدات متقابل که ترکیب پیچیده‌ای از جهت‌گیری خودخواهانه و دگرخواهانه است پیش بروند. این مسئله در ایران با درصد قابل توجهی قابل تبیین است.

۲ ـ ۲. افزایش فساد و انحرافات اجتماعی

دومین پیامد کاهش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه، افزایش فساد و انحرافات اجتماعی است. در ایران طبق گزارش‌های دفتر آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی کشور، هر ساله با رشد ۱۰ الی ۱۵ درصدی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی مواجه بوده‌ایم و آمارهای جمع‌آوری شده توسط نیروی انتظامی و وزارت کشور نیز نشان‌دهنده رشد ضریب آسیب‌های اجتماعی کشور بوده است. (فاصل، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

۲ ـ ۳. کاهش اهمیت شبکه‌های اجتماعی

کاهش اهمیت شبکه‌های اجتماعی یکی دیگر از پیامدهای کاهش سرمایه اجتماعی است. افراد جامعه به طور

مستمر و به راحتی پیوندهای خود را با یکدیگر به دلیل عدم اعتماد متقابل می‌گسلند وروابط میان افراد به طور فزاینده‌ای سست و سطحی می‌شود. پدیده گسست نسل‌ها در بعد جامعه و خانواده که هم اکنون به عنوان یکی از تهدیدات در سطح کشور مطرح است، نشان دهنده وجود و ظهور پیامدهای افول سرمایه اجتماعی در ایران است. (همان: ۱۰۸)

تهدیدهای نرم جمهوری اسلامی ایران

۱. تهدیدهای سیاسی

تهدیدهای نرم سیاسی به عنوان یک وسیله مؤثر برای فشار بر کشورهای ضعیف، همیشه مورد استفاده قدرت‌های بزرگ و معارض بوده است. با شکست قدرت‌های غربی در جنگ تحمیلی، کودتا، غائله‌های تجزیه‌طلبانه و ... ،آنان دست به روش‌های دیگری نظیر تحریم‌های اقتصادی، محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی در مورد مسائلی چون حقوق بشر و تروریسم و ... زدند و سعی در به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی ایران و مخدوش کردن الگوی حکومت اسلامی نمودند.

۲. تهدیدهای اقتصادی

کشورهای قدرتمند و ظالم غربی برای تهدیدهای اقتصادی خود همواره از وجود سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و ... بهره برده‌اند. به همین علت می‌توان تحریم‌های اقتصادی را در زمره مهم‌ترین تهدیدهای اقتصادی محسوب کرد که طی سال‌های گذشته، همواره از سوی قدرت‌های غربی و سازمان‌های بین المللی علیه انقلاب اسلامی ایران اعمال شده است. از دیگر تهدیدهای اقتصادی می‌توان به وابستگی اقتصادی به ابرقدرت‌ها، وابستگی به نفت، عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی، افزایش بیکاری و ... اشاره کرد. (بهمن، ۱۳۸۸: ۲۶۲ ـ ۲۶۱)

۳. گسترش فساد

رواج و گسترش فساد اقتصادی و اجتماعی یک دیگر از تهدیدهای نرم انقلاب اسلامی است که شاید با توجه به بعد اقتصادی آن بتوان آن را در میان تهدیدهای اقتصادی نیز جای داد، اما این تهدید عارضه‌ای چند بعدی است که تبعات منفی آن به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار سنگین و گاه غیر قابل جبران است. بنابراین گسترش و شیوع فساد، ارزش‌های یک ملت را در معرض تهدیدات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی قرار می‌دهد؛ به نحوی که در پی گسترش فساد، پایگاه مردمی حکومت‌ها تضعیف می‌شود و تهدیدات خارجی افزایش می‌یابد. سازمان بین‌المللی شفافیت، رتبه ایران را در میان کشورهای جهان از نظر فساد مالی چنین تبیین کرده است:

وضعیت فساد مالی ایران در میان کشورهای جهان

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
رتبه	۷۹	۸۸	۹۳	۱۰۵	۱۳۱	۱۳۴	۱۳۸

شاید آمار فوق از روی غرض‌های سیاسی و ضدیت غربی‌ها با جمهوری اسلامی ایران منتشر شده باشد اما در هر صورت آمار فوق بیانگر جایگاه نامطلوب ایران در میان کشورهای جهان است. البته این آمارها فقط از بابت میزان پرداخت و دریافت رشوه محاسبه می‌شود؛ با این حال گسترش فساد در کشور ایران به دلیل اسلامی بودن و داشتن حاکمیت دینی از ابعاد و پیامدهای گسترده‌تری برخوردار است. به نحوی که می‌تواند مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را تحت شعاع خود قرار دهد. (همان: ۲۷۷ و ۱۷۸)

۴. تهدیدهای فرهنگی ـ اجتماعی

تشکیل یک حکومت دینی در عصری که فرهنگ جدایی دین از سیاست بر جهان حاکم بود و همچنین گسترش معنویت و گرایش به مذهب و گسترش ایده استقلال‌طلبی با تأکید بر حضور مردم در تعیین سرنوشت خود، عرصه نوینی را پدید آورد که به ضدیت با نظام جهانی و قدرت‌های بزرگ آن می‌پرداخت. از این رو از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تلاش‌های زیادی از قبیل تهاجم فرهنگی، برای استحاله فرهنگی ـ اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. (همان: ۲۷۹)

تاریخ انقلاب مخملی در ایران

رویارویی استکبار و استضعاف، قدمتی به طول تاریخ خلقت داشته و در قرآن کریم نیز شواهد تاریخی بسیاری مبنی بر این امر وجود دارد که دوران جدید این رویارویی را می‌توان مقارن با پیدایش غرب مدرن در نظر گرفت، غرب مدرن با درون‌مایه‌ای سکولاریستی و اومانیستی متولد شد و در نهایت منتهی به انزوای دین و خارج شدن آن از عرصه حیات اجتماعی و نهادینه شدن تفکر انسان خداانگار گردید و با درهم تنیدگی دو حوزه قدرت و ثروت، اقتصاد سیاسی جدید شکل گرفت؛ دورانی که غربی‌ها با محوریت کشورهای اروپایی از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا و بعدها آمریکا با بربر خواندن دیگر مردم جهان، شروع به لشکرکشی و اشغال سرزمین کشورهای آفریقایی، آسیاسی و آمریکای لاتین نموده و برای سالیان متمادی دست به جنایات و ظلم‌هایی خانمان سوز زدند. افزایش ظلم دول استعمارگر منتهی به شکل‌گیری نهضت‌های رهایی‌بخش و مقاومت‌های مردمی علیه استعمارگران گردید تا جایی که نظام سلطه با تغییر تاکتیک، دست به طراحی جدید ولی پیچیده‌تری زد و بدین ترتیب دوران استعمار نو آغاز شد. در این شکل از استعمار، اصالت با حفظ نفوذ و دستیابی به اهداف در کشور مورد نظر از طریق غیر مستقیم است. این رویکرد در قالب انتخاب و نصب حاکمان سرسپرده بومی و تربیت روشنفکران وابسته، کودتا، شورش و اصلاحات تحقق می‌پذیرد. (شهرام نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۹)

دوران استعمار نو همچنین مهم‌ترین دوران استعمار در ایران معاصر به حساب می‌آید و موج شدید و فراگیر آن با بر سر کار آمدن رضاخان قزاق به عنوان حاکم سرسپرده انگلستان آغاز شد. در این دوران پیوند جریان روشنفکری وابسته با دربار پهلوی پازل استعمار نو در ایران را تکمیل نمود. (ابراهیمی، ۱۳۸۷)

این مرحله از استعمار نو با تئوریزه کردن غربی‌سازی ایران همراه بود. با این وجود و به رغم همه این برنامه‌ریزی‌های پیچیده برای اسلام‌زدایی از فرهنگ غنی ملت ایران، موج خروشان مقاومت مردمی که توسط حضرت امام خمینی‌قدس‌سره، رهبری و هدایت می‌شد، منتهی به سقوط پایگاه مرکزی نظام سلطه و تشکیل نخستین حکومت اسلامی در منطقه خاورمیانه گردید. در این مرحله نظام سلطه با به خطر افتادن منافع استراتژیک و ارزش‌های ایدئولوژیک خود دست به اقدامات بسیاری برای مهار و سرنگونی جمهوری اسلامی زد که برای نمونه می‌توان به انحراف در انقلاب توسط برخی از انقلابیان، ترور رهبران درجه اول، طراحی کودتا، تحریک گروه‌های تجزیه‌طلب، جنگ سخت و اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی اشاره کرد. اما هیچ‌یک از این اقدامات به دلیل رسوخ و تثبیت مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله، منتهی به سرنگونی نظام اسلامی نگردید و بدین ترتیب نظام سلطه محقق شدن اهداف مطلوب خود را در گرو تضعیف و نابودی عقبه فرهنگی، علمی، اعتقادی و اجتماعی ملت ایران دید. این رویکرد نیز که از اواسط دهه شصت آغاز شد به دلیل وجود تنور گرمابخش جهاد در کشور در سال‌های اولیه با توفیق آن‌چنانی همراه نشد. اما با پایان جنگ و آغاز دوران جدید کشور تحت عنوان سازندگی و حاکم شدن جریان فن‌سالاری بر کشور، بستر لازم برای اثربخشی تهاجمات استکباری علیه ملت ایران فراهم شد.

در این دوران پیامدهای ناگواری چون رشد فراگیر جریان روشنفکری غرب زده در دانشگاه‌ها، انزوای نیروهای ارزشی و انقلابی در فضاهای رسمی و دولتی و نیز تجدید نظر عده‌ای از انقلابیان و اصحاب امام‌قدس‌سره در گفتمان انقلاب، ارتجاع غرب‌زدگی را بار دیگر در فضای کشور زنده کرده و از غربی‌سازی ایران و ضرورت توسعه سیاسی ـ اقتصادی کشور براساس الگو و تجربه غرب سخن گفتند.

چیستی انقلاب مخملی در ایران

یکی از نکات راهبردی در احصاء انقلاب مخملی در ایران آن است که این فتنه در راستای نابودی اسلام و انقلاب و اهداف آرمانی آن است و لذا می‌بایست توجه کرد که اگر دشمن در مواقعی مواضع خصمانه اتخاذ نمی‌کند، نه از روی تغییر ذاتی دشمن که تنها تغییری تاکتیکی برای تأثیرگذاری بیشتر بر جبهه خودی است. فرآیند فتنه و انقلاب مخملی در ایران شامل جنگ رسانه‌ای و روانی و نیز مشغول‌سازی و زمین‌گیر کردن، جنگ دیپلماتیک (رسمی و عمومی) است.

بر این اساس، دشمن عمدتاً براساس تکنیک‌های عملیات روانی عمل کرده و از ابزارهای ارتباطی یا همان رسانه‌ها نهایت استفاده را می‌کند. دشمن همچنین در حوزه دیپلماسی عمومی که ظاهری غیر دولتی

دارد، در پوشش اقدامات بشر دوستانه، صلح‌طلبانه و خدمات عمومی ـ فرهنگی در قالب مؤسسات و نهادهـای خیریه و مطالعاتی، معطوف به تأثیرگذاردن بر اذهان نخبگان و مدیریت و تصویرسازی در افکار عمومی کشور هدف فعالیت می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۰ ـ ۱۶۹) علاوه بر عوامل یاد شده، نقاط ضعف داخلی چه در حوزه حاکمیت و چه در حوزه نخبگان و عموم مردم که عامدانه و به قصد ضربه زدن به نظـام اسـلامی بـه وجـود نیامده‌اند، بلکه ناشی از ناکارآمدی سیستم و برآوردهـا و عملکردهـای اشـتباه مسـئولان کشـور هسـتند و یـا آسیب‌های گوناگون در میان توده‌های مردم که منشأ داخلی دارند نیز می‌تواند به عنوان زمینـه سـوء اسـتفاده دشمن برای ضربه زدن به نظام اسلامی به شمار آید. (همان: ۱۹۱)

بر این اساس، در حوزه مسائل سیاسی فعالیت‌هایی مثل ترویج غرب‌گرایی، ترویج تأویل‌گرایی و نفـاق در گفتمان سیاسی مسئولان و نخبگان، ایجاد و گسترش تضادها و معارضات مختلف میان مردم ـ مردم، مردم ـ مسئولان، مسئولان ـ مسئولان، حمله به رکن رکین ولایت فقیه، مشروعیت‌زدایی از نظام اسـلامی و قـانون اساسی کشور و ... برنامه‌هایی هستند که مستقیماً از سوی دشمن به کار بسته مـی‌شـوند. همچنـین در حـوزه مسائل اقتصادی نیز می‌توان مواردی مثل، گرایش مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر بـه نظـام سـلطه و اقتصـاد جهانی، فساد اقتصادی و مالی برخی مسئولان کشور، کاهش پایبندی بـه احکـام اقتصـادی اسـلام، افـزایش شکاف اقتصادی تورم و کاهش قدرت خرید مردم، افزایش بیکـاری، گسـترش فقـر، مشـکل تـأمین مسـکن، ناکارآمدی نظام توزیع و نیز اجرای طرح‌های اقتصادی توجیه ناپذیر و ... را ذکر نمود کـه نهایتـاً بـه احسـاس ناکارآمدی نظام اقتصادی مستقر در کشور از سوی مردم و نارضایتی آنها منتهی می‌شود.

عوامل تشدید کننده موفقیت دشمن در انقلاب مخملی

۱. فقر کار تئوریک

علی‌رغم گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی ایران، هنوز در مورد نوع، مدل و کیفیت مواجهه با فن‌آوری‌هـا و صنایع فرهنگی جدید با فقر نظری مواجهیم؛ گرچه در ظاهر ادبیات این موضوع بسیار فربه اسـت، امـا کمـی تعمیق در این ادبیات روشن می‌کند که اینها عمدتاً یا مطـالبی اسـت تبلیغـاتی و شـعاری کـه توسـط برخـی مسئولان و مدیران برحسب عادت گفته شده‌اند و یا آن دسته هم که صاحبانی از اصل علم دارند، بـا معضـل غیر کاربردی و انتزاعی و آرمانی بودن مواجه‌اند.

۲. شکاف میان مسئولان و نخبگان

برخی از مسئولان با تکیه بر مدیریت تجربی که دارند، خود را از راهنمایی نظـری و عملـی نخبگـان حـوزه و دانشگاه مستغنی احساس می‌کنند. شیوع این پدیده سبب شده تا در برخی از نهادها و سازمان‌هـای فرهنگـی منسوب به نظام، شاهد رویکردهای سلیقه‌ای و اجتهاد به رأی‌های شخصی مدیر یا مسئول آن نهاد باشیم.

۳. توسعه نامتوازن شهر تهران

توسعه نامتوازن و رشد بی‌رویه و با فاصله زیاد شهر تهران نسبت به دیگر مناطق کشور، سبب شده است که خصوصاً در سال‌های پس از جنگ شاهد ظهور طبقه‌ای در این شهر باشیم که می‌توان آن را طبقه متوسط شهری در تهران نامید؛ طبقه‌ای که اعضایش فارغ از عقاید و باورهای دینی و سیاسی، اغلب در سبک زندگی و سلایق و علایق فرهنگی و روزمره با هم شباهت دارند و جملگی به نوعی زندگی مدرن و امروزی با رعایت شاخصه‌هایی از مصرف‌گرایی، تجمل و رفاه علاقمند هستند.

موارد تشابه و تضاد جمهوری اسلامی ایران با کشورهای انقلاب‌های مخملی

در مطالعه کشورهایی که در آنها انقلاب رنگی رخ داده است به برخی تفاوت‌ها و تشابهات این کشورها و حوادث رخ داده در آنها با جمهوری اسلامی ایران برخورد می‌کنیم. در ابتدا باید اذعان کرد که در کشورهای اوکراین، صربستان، قرقیزستان و گرجستان، استقلال ملی به مفهوم واقعی وجود نداشت و به نوعی در تحت‌الحمایگی روسیه قرار داشتند. این در حالی است که در کشور جمهوری اسلامی ایران، استقلال واقعی وجود داشته و مردم به صورت واقعی در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی حضور فعال دارند. همچنین در کشورهای نام برده شده، گرایش‌های جریانات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی آنها مبتنی بر غرب‌مداری می‌باشد. این در حالی است که در ایران، جریانات سیاسی دارای پایگاه قوی مردمی بوده و مشروعیت سیاسی حاکمیت و نیز پیوند عمیق حاکمیت و مردم، عملاً مانع وابستگی به غرب شده است.

از لحاظ اقتصادی نیز باید بیان کرد که با توجه به شاخص‌های اقتصادی و درآمد سرانه، اوضاع ایران به مراتب مطلوب‌تر و مناسب‌تر از کشورهای انقلاب رنگی (اوکراین، گرجستان، قرقیزستان و ...) می‌باشد. اعتقادات مذهبی نیز به علت پیوند با مشروعیت و مقبولیت نظام از حقیقتی ریشه‌دار در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، اما در کشورهایی که انقلاب‌های مخملین در آنها رخ داده است فاقد اعتقادات عمیق دینی و مذهبی و پیوند میان دولت و مذهب بوده‌اند. (پورسعید، ۱۳۸۷: ۲۱)

جدول شرایط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دستخوش انقلاب‌های مخملی

مقایسه	سطح	تفاوت‌ها	تشابهات
ساختار	**اجتماعی**	استقلال واقعی ساختار سیاسی فرهنگ سیاسی ضدبیگانه و عدم رابطه مستقیم با آمریکا	۱. استقرار ژئوپولیتیکی در منطقه هارتلند و ریملند و قرار داشتن در طرح خاورمیانه بزرگ و پروژه دموکراسی‌سازی ۲. تخریب نوپا
	اقتصادی	پایگاه نسبی مردمی، ارجحیت دین ـ ملیت بر قومیت و رضایتمندی نسبی فردی	ساختار جمعیتی جوان، تنوع قومی و زبانی و نارضایتی عمومی

مقایسه	سطح	تفاوت‌ها	تشابهات
	فرهنگی	تحریم اقتصاد آمریکا، عدم انحصار کامل، سرانه ناخالص ملی (در این گروه فقط اوکراین با ایران تشابه دارد)	جمعیت زیر خط فقر (نابرابری)، اشتراک در برخی شرکای تجاری (ایتالیا و ...) و نیز ژئواکونومیک (داشتن ذخایر عظیم نفتی و گاز)
	دفاعی	اعتقادات ریشه‌دار مذهبی مردم، ژئوکالچران (مذهب، زبان، نژاد و ...) و هویت ملی (مذهب و ملیت)	تنوع مذهبی، تنوع آداب و رسوم سرزمینی
	موقعیت	موقعیت ژئواستراتژیک (خلیج فارس ـ تنگه هرمز) ساختار چند وجهی دفاعی و نیز عقبه دفاع مقدس	ارتش و نیروهای دفاعی متفاوت، پلیس و نیروهای کنترلی
		عدم وجود سفارت آمریکا، عدم وجود شرکت‌های آمریکایی، عدم وجود «ان. جی. او»های آمریکایی، عدم پذیرش ناظران خارجی در انتخابات	برگزاری انتخابات، خدشه‌دار نمودن انتخابات، جریان موازی انتخاباتی، فعال نمودن اپوزیسیون قضاوت خارجی نسبت به غیرعادلانه بودن و غیرآزاد بودن فعالیت برخی از «ان. جی. او»های خارجی

وقایع خرداد ۸۸

در تحلیل وقایعی که در جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری و خصوصاً ناآرامی‌های پس از اعلام نتایج آن رخ داد، سخن‌های فراوان و متفاوتی توسط صاحب نظران، مسئولان و کارشناسان سیاسی بیان شده و خواهد شد. بدیع بودن این جنس وقایع برای نظام جمهوری اسلامی البته سبب شده است که این تحلیل‌ها هنوز با نارسایی‌هایی همراه باشند که رفع آنها گذر زمانی بیشتر را می‌طلبد، اما به راستی وقایع مذکور را چه می‌توان نامید و ذیل چه مفهومی باید تبیین کرد؟

شباهت‌های این وقایع به انقلاب‌های رنگی

۱. استفاده از رنگ سبز به عنوان نماد: می‌دانیم که یکی از مشخصه‌های انقلاب‌های رنگی استفاده نمادین از یک رنگ خاص است؛ چنان‌که در گرجستان رنگ قرمز، اوکراین رنگ نارنجی و قرقیزستان رنگ صورتی نماد انقلاب بود.

۲. عاملیت شخصیت‌های سیاسی درون نظام به عنوان سران اعتراض: شباهت دیگر وقایع مذکور با انقلاب‌های رنگی در این است که راهبری اصلی اعتراضات با شخصیت‌هایی است که به نوعی درون نظام محسوب شده و در کارنامه خود سوابق مهمی از حضور در قدرت و حاکمیت اجرایی کشور داشته و دارند و این گونه نبوده است که مخالفان بیرون از نظام سیاسی (اپوزیسون خارجی) راهبری اصلی معترضان را بر عهده داشته باشند.

۳. تکیه بر شایعه تقلب در انتخابات: وجه مشرک انقلاب‌های رنگی ناسالم خواندن روند انتخابات و زیر سؤال بردن نتایج آن از سوی کاندیدای ناکام است. در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸ هم جرقه آغازین اعتراضات با عدم پذیرش نتایج اعلام شده انتخابات توسط کاندیداهای دیگر زده شد.

۴. حمایت دولت‌های غربی به صورت آشکار: شباهت دیگری که در تطبیق آشوب‌های مذکور با انقلاب‌های رنگی به آن استناد می‌شود، اعلام حمایت‌های صریح و آشکار سران دولت‌های غربی و نیز رسانه‌های غربی از جریان اعتراضات است و انتقاد آشکار ایشان از برخورد نیروهای نظامی با معترضان.

۵. اصلاحات درون ساختار سیاسی موجود: شباهت دیگر وقایع مذکور و انقلاب‌های رنگی آن است که در هر دو، رهبران اصل اعتراضات بر لزوم اصلاحاتی درون ساختار سیاسی موجود بدون خشونت و زور و بدون رویارویی با کلیت نظام پافشاری می‌کنند.

در یک ارزیابی نهایی از فتنه ۸۸ در ایران باید گفت شرایطی که در خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۸ برای نظام اسلامی پیش آمد در نوع خود بی‌نظیر بود. پیچیدگی و حساسیت شرایط به گونه‌ای بود که رهبر معظم انقلاب از آن به فتنه تعبیر کردند. شرایط فتنه‌گون، شرایطی است که در آن فضای غبار آلود غالب می‌شود و در نتیجه تشخیص دقیق حق و باطل برای مردم دشوار می‌شود و نیز غلبه چنین فضایی سبب می‌شود تا برخی از افراد در تمیز حق از ناحق به اشتباه افتند. اینجاست که بصیرت، ضرورتی مضاعف می‌یابد و راهگشا می‌شود. مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای بیان می‌فرمایند که:

> بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشد، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید، راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود، این قطب‌نما همان بصیرت است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۱۵)

بررسی امکان وقوع انقلاب مخملی در ایران

در تحلیل این موضوع که آیا امکان وقوع انقلاب مخملی در ایران وجود دارد یا خیر، علاوه بر تفاوت‌هایی که در فضای سیاسی ـ اجتماعی ایران و همچنین تمایزی که میان بازیگران این عرصه با فضا و بازیگران حاضر در انقلاب‌های مخملی وجود دارد، باید از یک سو به محدودیت‌ها و موانع تحقق چنین امری در ایران اشاره کرد و از سوی دیگر ابزارها و شیوه‌های استفاده از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داد.

بر این اساس علی‌رغم آنکه طرح‌هایی مبتنی بر برپایی انقلاب مخملی در ایران با تحقق ایده براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است، با این حال تحقق این طرح‌ها با موانع، محدودیت‌ها و

چالش‌های بی‌شماری مواجه است. علاوه بر این، انقلاب اسلامی ایران در برابر تهدیدهای نرم از ابزار و قدرت نرم نیز برخوردار است. (بهمن، ۱۳۸۸: ۳۴۷)

موانع موفقیت انقلاب مخملی در ایران

پیروزی یک انقلاب مخملی در ایران اسلامی به دلایل متعددی عملی نیست و با محدودیت‌ها و موانع خاصی همراه است. در واقع، علاوه بر شرایط سیاسی ـ اجتماعی کاملاً متفاوت و متمایز ایران نسبت به کشورهایی که در آنها انقلاب رنگی رخ داده است، نظام جمهوری اسلامی ایران و جامعه ایران اسلامی تفاوت‌های بنیادی با کشورهای فوق دارد. مقام معظم رهبری در این باره در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند:

> ... شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهائی شد، تلاش‌هایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرت‌های غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلب‌ها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیل‌کرده امروز، ایرانیان امروز، آن چنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی می‌کنند ... . (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴)

در ادامه برخی از موانع موفقیت انقلاب مخملی در ایران اسلامی را برمی‌شماریم:

۱. داشتن رهبری ولایی و پیروی اکثریت قاطع ملت ایران از فرامین ولایت فقیه؛

۲. بسیج مردم و وحدت ملی در مقابله با بحران‌های داخلی و خارجی برای برون‌رفت از این‌گونه مسائل؛

۳. فقدان زمینه‌ها و عوامل وقوع انقلاب مخلی در ایران؛

۴. وجود نهادهای حمایتی مردمی ـ اعتقادی چون بسیج، سپاه پاسداران و روحانیت؛

۵. عدم حمایت نخبگان، احزاب سیاسی و جنبش‌های دانشجویی از برپایی انقلاب مخملی در ایران؛

۶. عدم توانایی احزاب و جریان‌های سیاسی و سازمان‌های غیردولتی به منظور بسیج و سازمان‌دهی مردم؛

۷. عدم حمایت مردم از خط فکری رهبران این نوع حرکت‌ها در ایران؛

۸. وجود شعور سیاسی و سطح بالای جامعه مدنی ایران؛

۹. قدرت بالای نظام جمهوری اسلامی ایران در داخل و پیرامون خود؛

۱۰. وجود نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی قدرتمند در نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۱۱. عدم انسجام و اتحاد مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و حتی در داخل. (بهمن، ۱۳۸۸: ۳۸۵ ـ ۳۷۲)

غرب با بیان و توسعه نقشه انقلاب مخملی در ایران به دنبال جایگزینی نظامی غربی در آن بود، اما به

این نکته توجه نداشت که آلترناتیوی که می‌توانست به عنوان جایگزین نظام اسلامی فعلی شود و در ذهن عامه مردم نیز چنین است، نظام آرمانی و حکومت علوی و امام زمانی است نه لیبرالیسم غربی. حضرت امام خمینی‌قدس‌سره در نامه خود به گورباچف، به وی و ملت شوروی پیغام می‌دهد که شما به جای اینکه به غرب به عنوان یک آلترناتیو (لیبرالیسم غربی) جایگزین کمونیست نگاه کنید می‌توانید از آلترناتیوی به اسم اسلام استفاده کنید که مناسب‌ترین جایگزین برای کمونیست است.

تجربه حاکمیت نظام اسلامی در ایران ثابت کرده که مردم ایران به دلیل پیوند عاطفی و عقلانی با اسلام و انقلاب اسلامی حتی اگر نارضایتی‌هایی از شرایط معیشتی و روزمره خود داشته باشند، اجازه دخالت بیگانه و ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی را نمی‌دهند؛ چراکه انقلاب اسلامی متعهد به خدمت‌رسانی به عموم شهروندان جامعه اسلامی و به خصوص مستضعفان و محرومان بوده و قانون اساسی نیز تضمین حضور و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری برای تمامی ارکان‌های نظام را در نظر گرفته است.

ارائه راهکار و جمع‌بندی

اکنون ما در دورانی به سر می‌بریم که دنیا با کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی مواجه است. از این کاهش بی‌سابقه اعتماد سیاسی، با عنوان «زوال اعتماد سیاسی» یاد می‌کنند. یکی از نشانه‌های این وضعیت وخیم، بحران مشارکت سیاسی است که نگرانی‌های بسیاری را در میان سیاستمداران و عالمان سیاسی برانگیخته است. رابطه روشنی میان میزان مشارکت سیاسی فرد و احساس اعتماد سیاسی وجود دارد. کاهش اعتماد سیاسی، به کاهش مشارکت سیاسی در غرب انجامیده است. (بی‌نا، ۱۳۹۱)

حال در صورتی که به خواسته و نیاز آنها توجه نشود با گذر زمان میان آنها و دولت، شکاف ایجاد شده عمیق‌تر می‌گردد. در اینجاست که نسبت اعتماد آنها به دولت کاهش یافته و در نتیجه در مقابل دولت قرار می‌گیرند و به هر ابزاری برای کسب قدرت در جهت ابراز نارضایتی و رسیدن به خواسته‌های خود می‌کوشند. این گروه‌ها در صورت وجود یک ساختار قانونی، از طریق آن نارضایتی خود را ابراز می‌کنند تا منافع خود را تأمین کنند. در صورت خلاء قانونی برای ابراز مخالفت، این گروه در قالب اپوزیسیون جای‌گیری کرده و در صدد ایجاد مشارکت سیاسی انتقادی می‌گردند و در صورت عدم توجه به خواسته‌های آنان، به هر قوایی برای دگرگونی ساختار سیاسی متوسل می‌شوند. در ابتدا برای تبیین درست برخی از راهکارها مطابق با نظر مقام عظمای ولایت به بخشی از سخنان ایشان خطاب به جوانان اشاره می‌کنیم که می‌فرمایند:

> ... من به خصوص به جوان‌ها عرض می‌کنم: جوانان عزیز، میهن شما امروز احتیاج دارد به آگاهی، به بیداری. حرکات کسانی را که دل‌ها را از وحدت و صمیمیت می‌خواهند دور کنند، رصد کنید ... کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار می‌کند، درباره او داوری کنید که سرانگشت دشمن است، بدانید

یا نداند. ممکن است نداند، اما سرانگشت دشمنند، برای دشمن کار می‌کنند. نتیجه یکی است. ... باید هوشیار بود؛ باید بیدار بود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲)

لذا به نظر می‌رسد که در درازمدت نیاز به تدابیر و اقدامات اساسی‌تر برای نیل بـه همبسـتگی اجتمـاعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد تا نیروهای واگرا تا حدودی خنثی شوند.

از جمله این تدابیر می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. تدوین و اجرای سیاست‌های ادغام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تحکیم پیوند، علایق و منافع میـان بخش‌های مختلف جامعه به ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی با مرکز که لازمه این امر افـزایش توانـایی‌هـای تلفیقی نظام سیاسی است؛

۲. ایجاد نوعی ثبات و آرام‌سازی سیاسی از طریق فرآیند مردم‌سالاری در سطح کل کشور و فراهم کردن شرایط مشارکت سیاسی بخش‌های گوناگون، به ویژه اقلیت‌ها چه در ساختارهای سیاسی محلی و یا ملی کـه لازمه این امر افزایش قابلیت‌های تنظیمی نظام سیاسی است،

۳. بسط نهادهای مشارکتی اجتماعی و سیاسی، چـه در سـطح محلـی و چـه در سـطح ملـی و برقـراری ارتباطات بیشتر میان نهادهای مشارکت ملی و محلی. این در صورتی است که از پیش بر سر نظـام سیاسـی، قانون اساسی و ترتیبات مربوط به توزیع قدرت در بین بخش‌های مختلف جامعه توافق حاصل شده باشد؛

۴. کاهش اعمال تبعیض‌های مذهبی و قومی توسط حکومت مرکزی و فراهم کـردن شـرایط و امکانـات بیشتر جهت دست‌یابی این اقلیت‌ها به فرصت‌های حیاتی (اشتغال، آموزش و ...)؛

۵. بسیج منابع موجود داخلی و بهره‌برداری از منابع خارجی برای مهار بحران‌های اقتصادی، به ویژه تـورم و بیکاری که این امر مستلزم افزایش قابلیت‌های شناسایی و استخدامی نظام سیاسی است؛

۶. متوازن کردن توزیع منابع چه در سطح اقشار و گروه‌های اجتماعی و چه در سطح بخش‌های اقتصادی و چه در سطح مناطق مختلف کشور؛

۷. ایجاد تعادل بیشتر در فضای اجتماعی و فرهنگی از طریق بازسازی و تعدیل نگـرش‌هـای افراطـی در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی؛

۸. بازنگری در ساختار و روابط میان نهادهای حکـومتی و نیـز تعـدیل عـدم تـوازن موجـود در قـدرت و اختیارات این نهادها و نیز اصلاح و رفع تداخل و ابهامات موجـود در روابـط میـان آنهـا از طریـق بـازبینی در قوانین موجود؛

۹. تسریع روند تنش‌زدایی در روابط خارجی و حل مسائل و تنش‌های موجود میان ایران و سـایر کشـورها تا از این طریق هم از دخالت‌های احتمالی عوامل خارجی و هزینه‌های ناشی از آن کاسته شود و هـم امکـان جذب منابع خارجی به ویژه برای حل سریع‌تر مسائل اقتصادی فراهم شود؛

۱۰. حرکت به سمت توازن سیاسی میان نیروهای اصلی معارض. تداوم چنین توازنی نه تنها از لحاظ عملی محدودیت‌های بیشتری برای اعمال خشونت رسمی ایجاد می‌کند، بلکه زمینه مناسب‌تری برای رشد گرایش‌های ضد خشونت در میان نیروهای درگیر و تمایل بیشتر آنها به سوی تساهل سیاسی را فراهم می‌کند؛

۱۱. ایجاد زمینه لازم برای ایجاد تشکل‌های صنفی و طبقاتی مستقل از دولت که بیانگر و پیگیر خواست‌های اصناف و طبقات اجتماعی باشد؛

۱۲. نهادینه کردن کشمکش‌های درون هیئت حاکمه از طریق پذیرش تکثر و ایجاد جناح‌های بادوام و نیز احزاب متعدد و پایدار؛ حتی اگر این احزاب نماینده تمام گروه‌های عمده اجتماعی نباشند، می‌توانند گونه‌ای از کشمکش‌های کارکردی و رقابتی (غیر تخاصمی) را درون نظام سیاسی به نمایش بگذارند.

بنابراین استکبار جهانی با پی‌ریزی تئوری انقلاب مخملی و دیدن اعتراضات مردمی در خرداد ۱۳۸۸ به این نتیجه رسیده بود که کار انقلاب اسلامی ایران تمام است، اما به این نکته مهم توجه نکرده بود که قدرت‌های نرم انقلاب ایران برای مقابله با این گونه فتنه‌ها چگونه است و نیز این اعتراضات به اصل نظام نیست بلکه آلترناتیو و دولت آرمان مد نظر ملت ایران همان نظام اسلامی آرمانی است که در چندین دهه انقلاب مرتباً با آن سروکار داشته و رسیدن به چنین نظامی را به ایشان وعده می‌دادند. بنابراین هرگز خواهان نظام لیبرالی غرب نبود و نخواهند بود. هر چند به ظاهر و در حالت بحران، اعتراضی هم صورت گیرد اما به منزله اعتراضی و رودررویی با اصل نظام نمی‌باشد.

با این حال فرجام جریان انقلاب مخملی و یا همان فتنه سبز در ایران اسلامی جز شکست چیز دیگری نبوده است. نظامی که به مرکزیت الهی عالم اتکا داشته باشد هرگز تحت سلطه در نخواهد آمد؛ چراکه وعده الهی به پیروزی نهایی متقین در برابر مستکبرین تعلق گرفته است و نظام اسلامی از آنجا که پایبند و متعهد به اجرای دستورات اسلامی است، تحت سیطره ولایت و حظاظت الهی قرار دارد. همچنین پشتوانه مستحکم مردمی نظام باعث می‌شود که تمامی توطئه‌های استکبار جهانی نقش بر آب گردد.

تجربه حاکمیت نظام اسلامی در ایران ثابت نموده که مردم ایران به دلیل پیوند عاطفی و عقلانی با اسلام و انقلاب اسلامی، حتی اگر نارضایتی‌هایی از شرایط معیشتی و روزمره خود داشته باشند اجازه دخالت بیگانه و ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی را نمی‌دهند؛ چراکه انقلاب اسلامی متعهد به خدمت‌رسانی به عموم شهروندان جامعه اسلامی و به خصوص مستضعفان و محرومان بوده و قانون اساسی نیز تضمین حضور و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری برای تمامی ارکان‌های نظام را در نظر گرفته است.

از دیگر عوامل موفقیت نظام جمهوری اسلامی ایران در غلبه بر فتنه سبز، بهره گرفتن از سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مطلوب است. سرمایه انسانی جوان، مؤمن، متفکر و خلاق و علاقمند به سرنوشت کشور از اقشار مختلف مردم که در طول چندین سال پس از انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی،

فرهنگی، اقتصادی و علمی رشد و پرورش یافته، باعث گردیده تا ضربه‌پذیری نظام به دلیل قطع وابستگی‌ها و ایجاد استقلال فکری و انسانی به شدت کاهش یابد.

در حوزه سرمایه اجتماعی نیز می‌توان به مؤلفه‌هایی مثل وحدت و همبستگی در قالب هویت ملی، اعتماد متقابل مردم و حاکمیت، امید به زندگی، مشارکت و پیوندهای مستحکم ایمانی اشاره نمود. این قوت سرمایه اجتماعی نظام باعث گردیده تا زمینه به وجود آمدن شکاف‌های عمیق و تضاد در جامعه به شدت کاهش یابد. همچنین وجود نهادهای حمایتی مردمی ـ اعتقادی چون بسیج، سپاه پاسداران و روحانیت نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های قوت و قدرت نظام جمهوری اسلام ایران در مقابل توطئه‌های داخلی و خارجی نیز انکار ناپذیر است؛ چراکه ایشان عموماً نشان داده‌اند برای دفاع از نظام اسلامی حاضر به بذل جان و مال و اهل خویش هستند و نیز نقش بی‌بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران را نباید فراموش کرد که با درایت ولایی خویش در برهه‌های مختلف زمانی، توطئه‌های پیچیده دشمنان نظام دینی را به شکست کشانده است.

پس برای افزایش میزان سرمایه اجتماعی در ایران و به تبع آن جلوگیری از افزایش شکاف اجتماعی و کاهش عنصر اعتماد می‌توان روش‌های زیر را پیشنهاد داد:

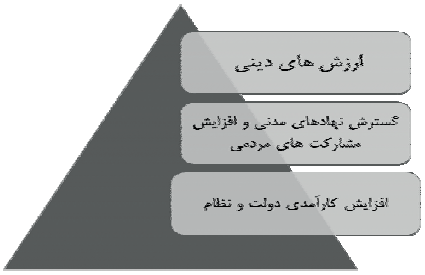

۱. ارزش‌های دینی

ارزش‌های دینی، ارزش‌های نهادینه شده بخش قابل توجهی از ایرانیان و عامل وحدت‌بخش بسیاری از افراد جامعه است، لذا با توجه به شرایط اجتماعی ایران، ارزش‌های دینی باعث ایجاد ارزش‌های مشترک در آن می‌شود و می‌تواند در ایجاد فضای مشترک برای شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر ارزش‌ها مفید باشد.

۲. گسترش نهادهای مدنی و افزایش مشارکت‌های مردمی

دولت موظف است زمینه‌های لازم برای مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را برای ایجاد مشروعیت قدرت فراهم و از گسست میان مردم و حکومت، ممانعت به عمل آورد. هر روندی که دولت مردان را از مردم دور سازد، روندی منفی جهت کاهش سرمایه اجتماعی است. همچنین نهادهای مدنی با آگاهی بخشی از خدمات و کارهای ویژه دولتی به مردم، نهادینه و منظم کردن خواسته‌ها، امید بخشی، جلوگیری از تنش، رواج الگوهای رقابت سالم سیاسی، اصلاح گری و وحدت بخشی، می‌توانند به صورت پل ارتباطی میان مردم و

دولت، هم در ایجاد احساس تعلق مردم به حکومت و هم خارج کردن روند اتمیزه شدن جامه در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی مفید باشند.

۳. افزایش کارآمدی دولت و نظام

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با سازوکارهای دقیقی می‌تواند گسست بین خواست‌های به حق مردم و خدمات دولتی را کاهش داده و در همین راستا به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه کمک نماید، برعکس هر چه دولت از انجام مسئولیت‌های خود در قبال مردم و تأمین نیازمندی‌های آنان ناتوان‌تر باشد، کارآمدی دولت کاهش یافته و به تبع سرمایه اجتماعی در جامعه نیز کاهش خواهد یافت.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. ابراهیمی، ناهید، «سیر تاریخی هویت جامعه ایران درجست وجوی هویت»، ***مردم سالاری***، نسخه شماره ۱۸٦٦، ۱۳۸۷/۰۵/۲۰.

۳. احمدی، مجتبی و دیگران، ۱۳۸۹، ***از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم***، تهران، انتشارات کیهان.

٤. احمدی، یعقوب، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی، ***اطلاعات سیاسی اقتصادی***، خرداد و تیر.

۵. اکبری، امین، ۱۳۸۳، ***نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی اجتماعی***، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

٦. بهمن، شعیب، ۱۳۸۸، ***انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۷. بوردیو، پیر، ۱۳۸۱، ***نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی***، ترجمه سیدمرتضی مردی‌ها، تهران، نقش و نگار.

۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان و دانشجویان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲.

۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.

۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در نمازجمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام‌ﷺ، ١٤ خرداد ۱۳۸۹.

۱۱. بی‌نا، ۱۳۸۲، ***ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم***، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.

۱۲. بی‌نا، ۱۳۸۷، ***سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر سیاست‌گذاری عمومی: گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا ۲۰۰۳***، ترجمه مرتضی نصیری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۳. بی‌نا، ۱۳۹۱، «اعتماد، قدرت نرم و انباشت سرمایه اجتماعی»، قابل دسترس در:http://farsi.khamenei.ir ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

۱٤. پانتام، رابرت، جیمز کلمن و دیگران، به کوشش کیان تاجبخش، ۱۳۸٤، ***سرمایه اجتماعی***، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران، نشر شیرازه.

۱۵. پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۷، ***انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران***، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱٦. شهرام نیا، امیرمسعود، ۱۳۸۵، ***جهانی شدن و دموکراسی در ایران***، تهران، نگاه معاصر.

۱۷. علاقه‌بند، مهدی، ۱۳۸۹، «درآمدی بر سرمایه اجتماعی»، ***نشریه معرفت***، سال دوم شماره ٤۲.

۱۸. فاصل، رضا و الهام میری آشتیبانی، ۱۳۸۷، ***آسیب‌های اجتماعی ایران، نگاهی به آینده***، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

۱۹. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸٦، ***پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن***، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، حکایت قلم.

۲۰. فیلد، جان، ۱۳۸٦، ***سرمایه اجتماعی***، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، کویر.

۲۱. کلمن، جیمزسمیوئل، ۱۳۸٦، ***بنیادهای نظریه اجتماعی***، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۲۲. مارتین، ریزر، ۱۳۸۷، «تحولات سرمایه اجتماعی، نگاهی به شواهد»، ***مجموعه مقالات، مبانی مفهوم سرمایه اجتماعی***، محمد مهدی شجاعی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۲۳. معیدفر، سعید، فرصتی برای تأمل در ماهیت معمایی جامعه ایران: www.isa.org.ir/node